

معناشناسی تاریخی واژه رزق در قرآن کریم

محمدحسین اخوان طبسی^۱

مرتضی اوحدی^۲

حسین شجاعی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۷، صفحه ۸۳ تا ۱۰۴ (مقاله پژوهشی)

چکیده

واژه رزق، یکصد و نه بار در قرآن کریم به کار رفته است. لغت شناسان و مفسران، طیف گسترده ای از معانی مادی و معنوی را برای این واژه در نظر گرفته‌اند؛ عده‌ای از ایشان رزق را صرفاً بر معنایی مادی، برخی دیگر صرفاً بر معنایی معنوی و پاره‌ای بر هر دو معنای مادی و معنوی اطلاق کرده‌اند. این بسط معنایی رزق در میان اهل لغت و مفسران در حالی به وجود آمده است که بر پایه شواهد زبان‌شناختی، رزق در عصر پیشاقرآنی و در عصر نزول قرآن معنای محدود و معینی را با خود حمل می‌کرده است. نویسندگان این مقاله با هدف دستیابی به معنای اصلی این واژه در قرآن و با بهره از ریشه‌شناسی تاریخی این واژه نشان داده‌اند که رزق در دوران پیشاقرآنی حایز معنایی مادی بوده است که «خوراک»، «بهره و سهم»، «روزانه بودن» و «عطای به دیگری» مهم‌ترین مؤلفه‌های آن به شمار می‌رفته است. در دوران نزول قرآن و با انتقال این واژه از فارسی به عربی همین گستره معنایی نیز به عربی عصر نزول وارد شده است. پس در فهم و تفسیر آیاتی که واژه رزق در آن‌ها به کار رفته است باید متمرکز بر معنای مادی این واژه بود. گسترش رزق به مصادیق غیرمادی (فرزند، علم و ...) توسعه‌ای است که بعدتر و توسط مفسران صورت گرفته است و لذا نباید آن را بر رزق در قرآن کریم حمل نمود.

کلیدواژه‌ها: رزق، ریشه‌شناسی، مؤلفه‌های معنایی، قرآن کریم.

۱. پژوهشگر مرکز مطالعات میان رشته‌ای قرآن کریم جهاد دانشگاهی؛ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه

تربیت مدرس (نویسنده مسئول): mhat.isu@gmail.com

۲. دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران. بابلسر. ایران:

morteza.ohadi@outlook.com

۳. پژوهشگر مرکز مطالعات میان رشته‌ای قرآن کریم جهاد دانشگاهی؛ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث پردیس

فارابی دانشگاه تهران: shojaehosein030@gmail.com

درآمد

رزق واژه‌ای پربسامد در قرآن است. درباره این واژه منابع لغوی و تفسیری از طیف معنایی گسترده و گاه متشستی سخن گفته‌اند. برای نمونه از جمله معانی مادی رزق که در منابع لغوی بازتاب یافته، خوراک، حیره سربازان و یا هر آن چیزی است که به انسان نفع می‌رساند. افزون بر این معانی که بیشتر بر جنبه های مادی معنای رزق تمرکز دارد، در برخی کتب لغت و تفسیر برای رزق معنای غیرمادی هم در نظر گرفته شده است، معانی‌ای چون علم و حکمت، مقام نبوت و رزق معنوی برخی از این معانی را دربر می‌گیرد.

در کنار این دو نوع مواجهه برخی از لغویون و مفسران نیز در ارائه معنای رزق معنایی را ارائه داده اند که جامع جنبه های معانی مادی و غیرمادی برای این کلمه قرآنی می‌باشد.

طرح مسأله

برخلاف طیف وسیع معنایی‌ای که در منابع لغوی و تفسیری برای معنای رزق به چشم می‌خورد، به نظر می‌رسد رزق در پیش از اسلام و همچنین در عصر نزول قرآن دارای معنای مشخص و محدودی بوده، اما به مرور زمان در معنای آن توسعه‌هایی وجود آمده است. امروزه و در ادبیات روزمره هم می‌توان نشانه‌هایی از این توسعه معنایی را مشاهده کرد. برای نمونه در ادبیات روزمره، متعلق رزق بسیاری از امور نظیر زیارت، ازدواج، علم، شغل مناسب و مسائلی از این دست دانسته می‌شود و از خداوند درخواست می‌شود که این موارد را «روزی ما کند».

براین اساس می‌توان از چنین احتمالی سخن به میان آورد که به تدریج متعلقات رزق بیشتر شده و کاربرد رزق در معانی مختلف سبب شده تا با توسعه روزافزون در گستره معنایی رزق مواجه شویم و چه بسا اهل لغت و مفسران معاصر که برای رزق معنای موسعی را در نظر گرفته‌اند، متأثر از شرایط زمانه خود چنین توسعه‌هایی را برای رزق قائل شده باشند.

اختلاف نظری که اهل لغت و مفسران درباره معنای رزق دارند سبب شده تا نتوان بر پایه منابع لغوی و تفسیری برای این واژه از یک معنای مشخص سخن به میان آورد. این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است که رزق از حیث ریشه‌شناختی دارای چه مؤلفه‌های معنایی بوده است. این واژه از دوران پیشاقرآنی تا عصر نزول قرآن، چه سیر تطوری را طی کرده و سرآخر اینکه بر اساس این سیر تطور، رزق در آیات قرآن کریم دارای چه گستره معنایی است. مهم‌ترین دانشی که با کاربری آن می‌توان به این پرسش‌ها پاسخ داد، دانش معناشناسی تاریخی است. لذا برای این منظور، ضمن مطالعه ریشه‌شناختی واژه رزق، به متون پیشاقرآنی که این واژه را به کار برده‌اند مراجعه شده و کاربردها و مؤلفه‌های رزق در آنها استخراج گشته است.

درباره رزق، تاکنون پژوهش‌های مختلفی سامان یافته است. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به «تبیین جایگاه سنت رزق و اعتقاد به آن در کسب و کار از دیدگاه قرآن کریم» (مسعودی‌پور، ۱۳۹۲ش)، «جایگاه اقتصادی سنت رزق» (هادوی‌نیا، ۱۳۹۰ش)، «آثار تربیتی رزق حلال با تأکید بر آیات و روایات» (دهقانی، ۱۳۹۵ش) و «بررسی معناشناختی کاربرد «رزق» در قرآن کریم» (همان، ۱۳۹۶ش) اشاره کرد.

در هیچ‌کدام از این پژوهش‌ها به معناشناسی تاریخی رزق و مؤلفه‌های معنایی این واژه از دوران پیشاقرآنی تا عصر نزول پرداخته نشده است. نزدیک‌ترین پژوهش به نوشتار حاضر، مقاله «بررسی معناشناختی کاربرد «رزق» در قرآن کریم» است که نویسندگان به معناشناسی رزق در آیات قرآن پرداخته‌اند و در صدد برآمده‌اند تا روابط مفهومی رزق با دیگر مفاهیم همنشین و جانشین در قرآن کریم را بازتاب دهند. اما از پیشینه رزق و سیر تطور این واژه تا عصر نزول قرآن سخنی به میان نیاورده‌اند و به توسعه معنایی آن در دوره‌های بعد، توجهی نداشته‌اند.

براین‌اساس، نوشتار حاضر با کاربرد روش ریشه‌شناسی در پی آن است تا به این پرسش پاسخ دهد که رزق در عصر نزول قرآن دارای چه مؤلفه‌های معنایی بوده است؟ از این‌رو نخست، دیدگاه اهل لغت و مفسران درباره رزق بازتاب می‌یابد، سپس به ریشه‌شناسی رزق پرداخته می‌شود و در نهایت آیاتی که در آن‌ها رزق با توسعه معنایی در نزد مفسران مواجه شده، با رویکردی انتقادی به این توسعه معنایی، مورد بازاندیشی قرار خواهند گرفت.

۱- گستره معنایی رزق در آثار لغوی و تفسیری

همانگونه که در مدعای این مقاله در مقدمه طرح شد به نظر می‌رسد تفاوتی معناشناختی میان معنای رزق در سده نخست اسلام و سده‌های پسین آن وجود دارد. این تفاوت از مطالعه آرای لغویون و مفسران قابل استنباط است. در همین راستا و برای تعیین دقیق محل نزاع در ادامه معانی مختلف رزق در منابع لغوی و تفسیری به صورت طبقه بندی شده ارائه می‌شود و سپس تلاش خواهد شد تا با رویکردی تاریخی به این واژه، معنای اصیل آن در عصر نزول قرآن به دست آورده شود. بر اساس بررسی صورت گرفته منابع لغوی و تفسیری به طور کلی رزق را در دو معنای مادی و معنوی در نوسان دیده‌اند که مصادیق آن نیز به شرح ذیل قابل مشاهده است.

۱-۱- رزق در معنای مادی

نخستین معنایی که لغویون و مفسران برای رزق در نظر گرفته‌اند، ناظر به بعد مادی رزق است. مادی‌انگاری رزق شامل دو معنای خوراک و غیرخوراک می‌شود. برای نمونه، در برخی از لغت‌نامه‌ها که برای رزق بر بعد مادی آن تمرکز شده است، رزق به معنای جیره سربازان است که روزی یکبار

به آن‌ها داده می‌شود (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ۵/ ۸۹؛ ازهری، ۱۴۲۱ق، ۸/ ۳۲۵؛ اسماعیل بن عباد، ۱۴۱۴ق، ۳۰۳/ ۵). افزون‌براین، از این سخن رفته که رزق انسان‌ها برایشان مقدر شده و خواه برای به دست آوردن این رزق تلاش بکنند یا نکنند، این رزق به آنها خواهد رسید. برای این معنا به آیاتی نظیر: «إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ» (الذاریات: ۵۸) نیز استناد شده است (ازهری، ۱۴۲۱ق، ۸/ ۳۲۵). در برخی دیگر از منابع لغوی که برای رزق معنایی مادی بازتاب داده شده، رزق به معنای غیرخوراک دانسته شده است. برای نمونه، از لباس و هر آنچه که انسان استعمال می‌کند به عنوان رزق تعبیر کرده‌اند؛ چراکه همه این‌ها اعم از خوردنی‌ها و پوشیدنی‌ها از زمین می‌رویند و خدا به واسطه آبی که از آسمان نازل می‌کند، این‌ها را خلق کرده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۳۵۱).

در برخی دیگر از منابع لغوی، هر چیزی که برای نیرومندی بدن مناسب باشد و به انسان نفع برساند به‌مثابه رزق تلقی شده است (ابن‌اثیر، ۱۳۶۷ش، ۲/ ۲۱۹؛ جوهری، ۱۳۷۶ق، ۴/ ۱۴۸۱؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ۱۰/ ۱۱۵). معنای دیگری که برای رزق از آن سخن رفته و معنایی مادی را برای آن بازتاب می‌دهد، مال و جاه است. برای نمونه برخی لغویون با استناد به آیه: «وَأَنْفِقُوا مِنْ مَا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ» (المنافقون: ۱۰) آورده‌اند که مراد، انفاق کردن از مال و اعتبار است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۳۵۱). از جمله دیگر معانی که برای رزق در نظر گرفته شده، باران است. مهم‌ترین آیاتی که در این باره مورد استناد قرار گرفته، عبارتند از: «مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ فَأَخْيَا بِهِ الْأَرْضَ» (الجاثیه: ۵) یا «وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ» (الذاریات: ۲۲) (جوهری، ۱۳۷۶ش، ۴/ ۱۴۸۱؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۳۵۱؛ ابن‌سیده، ۱۴۲۱ق، ۶/ ۲۵۴؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ۱۰/ ۱۱۵).

افزون‌بر منابع لغوی، در کتاب‌های تفسیری هم چنین معنایی از رزق بازتاب یافته و مفسران بسیاری از آیات قرآن را که در آن‌ها از رزق سخن رفته به معنای مادی تلقی کرده‌اند. در برخی از این آیات، رزق به معنای خوراک و در برخی دیگر از آیات رزق به معنای غیرخوراک دانسته شده است. برای نمونه مفسران ذیل آیه: «قَالَ لَا يَأْتِيَكُمَا طَعَامٌ تُرْزَقَانِهِ إِلَّا نَبَّأْتُكُمَا بِتَأْوِيلِهِ...» (یوسف: ۳۷) آورده‌اند: یوسف (ع)، دو نفری که در زندان بودند را از غذایی که قرار بود برای آنها آورده شود آگاه کرد و برای آنها از کم‌وکیف غذا سخن گفت. در نهایت هم غذایی که یوسف (ع) پیش‌بینی کرده بود برای زندانیان آوردند (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۷۰). افزون‌براین، گفته شده که یوسف (ع) نوع و رنگ غذا را پیش‌بینی کرده و زندانیان را نسبت به مفید بودن آن هم باخبر کرده است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۱۸/ ۴۵۵؛ هواری، ۱۴۲۶ق، ۲/ ۲۶۵).

یکی دیگر از آیاتی که در آن رزق به معنای مادی و در معنای خوراک به کار رفته، آیه: «الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ...»

(البقره: ۲۲) است. ذیل آیه از این سخن رفته که خدا از آسمان باران را نازل می‌کند و به سبب نزول باران دانه‌هایی که از پیش در زمین کاشته شده می‌رویند و تبدیل به غذا می‌شوند (طبری، ۱۴۱۲ق، ۱/ ۱۲۶؛ طوسی، بی تا، ۱/ ۱۰۱). یکی دیگر از معانی رزق که در برخی از آیات قرآن بازتاب یافته باران است. برای نمونه می‌توان به آیه: «وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَهُمْ رِزْقًا مِنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ شَيْئًا وَلَا يَسْتَطِيعُونَ» (النحل: ۷۳) اشاره کرد. مفسران ذیل این آیه آورده‌اند که مراد از رزق آسمانی، بارانی است که از جانب آسمان فرو می‌آید و مراد از رزق زمینی هم گیاهان و میوه‌ها هستند (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ۲/ ۴۷۸؛ طوسی، بی تا، ۶/ ۴۰۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۶/ ۵۷۶). هرچند رزق آسمانی یعنی باران خوردنی نیست اما به این دلیل در ردیف خوراکی‌ها صورت‌بندی می‌شود که رویدن گیاهان وابسته به آن است. از این رو در آیه رابطه علی و معلولی بازتاب یافته و علت رویدن خوراکی‌ها، باران دانسته شده است و عنوان رزق برای آن آمده است.

در پاره دیگری از آیات قرآن کریم، رزق در معنای مادی غیرخوراکی بازتاب یافته است. برای نمونه می‌توان از آیه: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ لَكُمْ مِنْ رِزْقٍ فَجَعَلْتُمْ مِنْهُ حَرَامًا وَحَلَالًا قُلْ اللَّهُ أَذِنَ لَكُمْ أَمْ عَلَى اللَّهِ تَفْتَرُونَ» (یونس: ۵۹) سخن به میان آورد. در این آیه مراد از رزق برخی حیوانات نظیر شتر و گوسفند و رویدنی‌ها دانسته شده‌اند (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ۲/ ۲۴۲؛ قمی، ۱۳۶۳ش، ۱/ ۳۱۳). در برخی از تفاسیر هم آمده است: رزق چیزی است که موجب بقای انسان می‌شود و خوردنی‌ها، آشامیدنی‌ها و پوشیدنی‌ها و ...، از جمله امور زمینی محسوب می‌شوند که هریک از آنها به مثابه رزق انسان هستند. اما دلیل اینکه در این آیه رزق با وجود زمینی بودن به انزال از آسمان نسبت داده شده این است که خدا می‌خواهد این حقیقت را بازتاب دهد که خزائن همه چیز نزد او است و براساس آنچه که خدا مقدر کرده از این خزائن برای انسان نازل می‌شود. آیات: «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ» (الحجر: ۲۱)، «وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ» (الذاریات: ۲۲)، «وَ أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ» (الزمر: ۶) و «وَ أَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ» (الحديد: ۲۵) نیز بر همین معنا دلالت دارند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۱۰/ ۸۳).

از جمله دیگر معانی مادی رزق که ناظر به خوراکی‌ها نشده، همسر، مال و هر آن چیزی است که انسان برای آسایش زندگی خود به آنها نیاز دارد. علامه طباطبایی، براساس آیه: «وَيَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ...» (الطلاق: ۳) چنین دیدگاهی را مطرح کرده است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۱۹/ ۳۱۴). افزون‌براین، برخی از مفسران از این سخن گفته‌اند که رزق در این آیه امور دنیوی را دربر می‌گیرد (قمی، ۱۳۶۳ش، ۲/ ۳۵۷).

افزون‌براینکه در منابع لغوی و تفاسیر از معنای مادی رزق سخن رفته، برخی دیگر از مباحث

نظیر حلیت و حرمت رزق هم بازتاب یافته است. توضیح اینکه، در برخی از کتاب‌های لغت که متعلق به سده چهارم هجری به بعد هستند، از حلال یا حرام بودن رزق سخن رفته و برای نمونه در معنای رزق گفته شده: مالی که حرام است رزق محسوب نمی‌شود؛ چراکه رزق، عطای جاری است که به آن حکم شده و حرام چیزی نیست که به آن حکمی شده باشد (عسکری، ۱۴۰۰ق، ۱۶۱). در پاره دیگری از منابع متأخر لغوی و در امتداد مباحث کلامی درباره حلیت یا حرمت رزق، نظرات اشاعره و معتزله نیز بازتاب یافته است. براین اساس، اشاعره معتقدند که رزق عبارت از هر چیزی است که برای انسان سودمند است؛ خواه مباح یا حرام باشد. اما معتزله در نقطه مقابل اشاعره قرار می‌گیرند (طریحی، ۱۳۷۵ش، ۵/۱۶۸).

مباحث مربوط به حلیت یا حرمت رزق، توسط برخی از مفسران و ذیل آیتی از قرآن هم بازتاب یافته است. برای نمونه، ذیل آیه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ...» (البقره: ۱۷۲) آمده است: خطاب خدا به مؤمنان به اینصورت است که می‌گوید: از رزق حلالی که بر شما حلال کرده بخورید. این رزق توسط من برای شما حلال شده؛ چراکه شما آن‌ها را بر خود حرام کرده بودید، در حالی که من این رزق را که از خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها است بر شما حرام نکردم (طبری، ۱۴۱۲ق، ۵۰/۲). افزون‌براین، زمخشری ذیل این آیه می‌نویسد: هر آنچه خدا رزق انسان قرار داده حلال است (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۱/۲۱۴).

در برخی تفاسیر، به صراحت نظر معتزله و اشاعره در این باره نمایان شده است. برای نمونه فخر رازی ذیل آیه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ...» (البقره: ۲۴۵) آورده است: معتزله براساس این بخش از آیه که می‌گوید: «اتَّقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ»، براین باورند که رزق حلال است و رزق حرام وجود ندارد. خدا به انسان امر کرده که از هرچه رزق محسوب می‌شود انفاق کند و جایز نیست که از حرام انفاق شود. براین اساس می‌توان استنباط کرد که رزق از حرام نیست. برخی از اصحاب (اشاعره) نیز می‌گویند: ظاهر آیه نشان می‌دهد که امر به انفاق، هرآنچه که رزق محسوب می‌شود را دربر می‌گیرد، اما من این امر را تخصیص می‌زنم و می‌گویم: امر به انفاق ناظر به رزق حلال می‌شود (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۶/۵۳۱).

در ادامه مباحث کلامی پیشین، یکی دیگر از مباحثی که درباره رزق از آن سخن رفته و برخی لغویون آن را محل تأمل قرار داده‌اند، تفاوت میان رزق با حظ و رزق با غذا است. درباره نسبت میان رزق با حظ آمده است: رزق عبارت از عطایی است که همواره جریان دارد و بر همین اساس به جیره سربازان رزق اطلاق شده است. اما حظ چنین معنایی را افاده نمی‌کند و به صورت مقطعی به انسان می‌رسد. درباره نسبت میان رزق و غذا هم آمده است: رزق چیزی است که صاحبش آن را در اختیار

دارد و چون حلال است نمی‌توان در مورد آن به منازعه برخاست. اما آنچه که انسان از غذاها می‌خورد می‌تواند حلال یا حرام باشد (عسکری، ۱۴۰۰ق، ۱۶۱).

براین‌اساس، یکی از معانی بازتاب‌یافته برای رزق در منابع لغوی و تفسیری، رزق مادی اعم از خوراک و غیرخوراک است و در لغت‌نامه‌ها و تفاسیر، افزون‌براینکه از چنین معنایی برای رزق سخن به میان آمده، مباحثی نظیر حلیت یا حرمت رزق، نظر معتزله و اشاعره درباره آن و تفاوت رزق با حظ و غذا نیز بازتاب یافته است.

۲-۱- رزق در معنای غیرمادی

دومین معنایی که در کتاب‌های لغت و تفسیر برای رزق بازتاب یافته، ناظر به امور غیرمادی است. برای نمونه، از علم به عنوان یکی از معانی رزق سخن رفته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۳۵۱). افزون‌براین، در یک صورت‌بندی دیگر، رزق به ظاهری و باطنی تقسیم شده و متعلق رزقِ باطنی، قلب و نفس انسان و از جمله مصادیق این رزق، معارف و علوم دانسته شده است. آیه‌ای که در این باره مورد استناد قرار گرفته عبارت از: «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا» (هود: ۶) است. برخی از لغویون معتقدند رزق در این آیه می‌تواند ناظر به رزقِ باطنی باشد (ابن‌اثیر، ۱۳۶۷ش، ۲/۲۱۹؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ۱۰/۱۱۵).

در برخی از منابع لغوی، از رزق در امور معنوی سخن رفته و در توضیح این قسم از رزق آمده است: رزق متعلق به مرحله دوم خلقت انسان است که موجب ادامه حیات می‌شود. خدا اشیاء را با دو ساحت جسمانی و روحانی خلق کرده و براساس فطرتی که موجودات دارند، به آن‌ها رزق داده است. مراد از رزق معنوی، هدایت تکوینی‌ای است که سبب می‌شود موجودات به سمت کمال بروند و سیر صعودی خود را ببیمایند. برای این معنا از رزق به آیاتی نظیر: «وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَبِرْزَقْتَهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا» (الحج/ ۵۸)، «بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (آل عمران: ۱۶۹) و «لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ» (الانفال: ۷) استناد شده است (مصطفوی، ۱۴۲۶ق، ۴/۱۲۴).

مفسران هم ذیل برخی از آیات قرآن، از معنای غیرمادی رزق سخن به میان آورده‌اند. از جمله معنای بازتاب‌یافته برای رزق در معنای غیرمادی می‌توان به نور، سعادت، نبوت و حکمت، بهشت، اسلام و ثواب‌های اخروی اشاره کرد. برای نمونه فخر رازی ذیل آیه: «أَوَلَيْكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ» (الانفال: ۴)، از دیدگاه عارفان در این باره سخن گفته و آورده است: مراد از مغفرت، از بین رفتن تاریکی‌های حاصل از توجه به غیر خدا است و منظور از رزق کریم هم، انواری است که به‌دلیل غرق شدن در معرفت و محبت خدا حاصل می‌شود (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۱۵/۴۵۵).

یکی دیگر از معانی بازتاب یافته برای رزق، سعادت‌های عالی است. برای نمونه ذیل آیه: «... أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ» (الانفال: ۷۴) آمده است: مغفرت به معنای دست یافتن به ثواب‌های اخروی است و مراد از رزق کریم، سعادت‌های والایی است که به سبب دوری از لذت‌های جسمانی حاصل می‌شود و این سعادت‌ها نصیب کسانی می‌شود که خانواده و وطن خود را رها کرده و جان و مالشان را بخشیده‌اند. از این‌رو، راه به دست آوردن سعادت‌های والا، دوری از لذت‌های جسمانی است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۱۵/۵۱۹).

برخی از مفسران مراد از رزق در آیه: «قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنتُمْ عَلَىٰ بَيْتِهِ مِن رَّبِّي وَرَزَقَنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا...» (هود: ۸۸) را نبوت و حکمت دانسته‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۲/۴۲۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۵/۲۸۶؛ آلوسی، ۱۴۲۵ق، ۶/۳۱۴). علامه طباطبایی هم ذیل این آیه آورده است: معنای رزقِ حَسَن این است که خدا به شعیب (ع) از جانب خویش نبوت را عطا کرد که مشتمل بر اصول معارف و شرایع بود (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۱۰/۳۶۷).

از جمله دیگر معانی رزق که مفسران از آن سخن به میان آورده‌اند بهشت، ثواب اخروی، نعمت اسلام، درجات والا و نبوت و هدایت است. همه این معانی ذیل آیه: «... وَرِزْقٌ رَّيْبِكُمْ خَيْرٌ وَأَبْقَى» (طه: ۱۳۱) بازتاب یافته‌اند. برخی مفسران آورده‌اند که مراد از این رزق، بهشت است (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ۳/۹۸)، به باور برخی دیگر منظور از رزق، ثوابی است که در آخرت نصیب پیامبر اکرم (ص) خواهد شد که بهتر است و دوام بیشتری هم دارد یا اینکه مراد از رزق می‌تواند نعمت اسلام یا نبوت باشد (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۳/۹۸؛ طوسی، بی‌تا، ۷/۲۲۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۷/۵۹؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ۸/۵۹۲؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۱۴/۲۳۸). افزون‌براین‌ها، آسایش دنیوی که با اطاعت از خدا همراه شود نیز از دیگر احتمالاتی است که برای معنای رزق در نظر گرفته شده است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۲۲/۱۱۵).

افزون‌براینکه برخی لغویون و مفسران برای رزق معنایی غیرمادی در نظر گرفته‌اند، در برخی از منابع لغوی و تفسیری، توسعه معنایی بیشتری برای رزق به وجود آمده است، به نحوی که رزق جامع معنای مادی و غیرمادی دانسته شده است. برای نمونه یکی از معانی‌ای که برای رزق بازتاب یافته، عطای خدا است؛ اما از نوع این عطا و کم‌وکیف آن در کتاب‌های لغت سخن نرفته است (جوهری، ۱۳۷۶ش، ۴/۱۴۸۱؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ۲/۳۸۸؛ ازدی، ۱۳۸۷ش، ۲/۵۲۴). فخر رازی هم ذیل آیه: «... وَ تَرَزُّقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (آل عمران: ۲۷)، بدون اینکه مصداق معینی برای رزق در نظر بگیرد، آورده است: خدا به هرکس که بخواهد هرآنچه که بخواهد را بدون اینکه کسی بتواند محاسبه کند می‌دهد و این رزق نامحدود خواهد بود (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۸/۱۹۱).

براین اساس باید گفت برای رزق در منابع لغوی و تفسیری معانی مختلفی بازتاب یافته و تشتت آرای لغویون و مفسران سبب شده تا روشن نباشد مراد از رزق در قرآن کریم چه چیزی است و آیا باید رزق را منحصر به امور مادی کرد یا می‌توان معنای رزق را به امور غیرمادی هم توسعه داد. این اختلاف، چنین پرسشی را به وجود می‌آورد که آیا رزق در عصر نزول قرآن هم چنین معنای موسعی داشته یا خیر؟ برخی شواهد زبان‌شناختی حاکی از آن هستند که رزق در عصر نزول قرآن صرفاً بر ابعاد مادی این واژه متمرکز بوده است و می‌توان از رهگذر ریشه‌شناسی واژه از چنین فرضیه‌ای دفاع کرد.

۲- ریشه‌شناسی واژه «رزق»

واژه «رزق» در زبان عربی، یکی از معربیات است و ریشه در زبان پارسی دارد. مبدأ این واژه در فارسی پهلوی، واژه *rōcīk* است که به معنای «نان روزانه» بوده است. صورت این واژه در فارسی میانه، *rōzīg* است و به همین معنا به کار رفته است (جفری، ۱۹۳۸م، ۱۴۳؛ مک‌کنزی، ۱۹۸۶م، ۷۲). از میان این دو، صورت *rōzīg* به تلفظ «رزق» نزدیک‌تر بوده و می‌تواند منشأ محتمل‌تری برای رزق محسوب شود. این واژه مرکب از «*rōz*» معادل «روز» در فارسی نو، و پسوند نسبت *-īg* (برابر با *یاء* نسبت) است. بنابراین صورت امروزی *rōzīg* همان «روزی» (= روزانه) است.

rōz [*YŪM* < A *ywm*; *lwc* | M *rwc/z*, N ~] day.
rōzag [*lwc*' | M *rwcg*, N *rōza*] fast, fasting.
rōzāg [*lwc*'*k*'] lightning.
rōzan [*lwc*n' | N ~] window.
rōz(b)ānag [*lwc*(*p*)'nk'] window.
rōzēnīdan, **rōzēn-** [*lwcyn-ytn*' | M *rwcyn-*] lighten, brighten.
rōzgār [*lwc*'*l* | N ~] daytime.
rōzīg [*lwc*yk' | N *rōzī*] daily bread, sustenance.

عکس ۱: معنای واژه *rōzīg* در فرهنگ مختصر پهلوی، نوشته مک‌کنزی

نخستین بار روکرت بود که ارتباط رزق را با روزی فارسی تشخیص داد (خالقی‌مطلق، ۱۳۹۴ش، ۶۲۹) و پس از آن دیگرانی چون جفری و صدیقی^۳ نیز به آن اذعان کردند (جفری، ۱۹۳۸م، ۱۴۲-۱۴۳؛ صدیقی، ۱۹۱۹م، ۵۶). بیلی^۴ معتقد است: واژه روچیک در فارسی میانه، مأخوذ از ریشه *rauk-*

⚔ Daily bread

⚔ Ruckert

⚔ Siddiqi

⚔ Bailey

در فارسی باستان به معنای لذت بردن و بهره‌مند شدن بوده است. سپس این واژه در قالب یک ریشه‌شناسی عامیانه، در پیوند با *roč* (روز) بازتحلیل شده است (بیلی، ۱۹۷۹م، ۲۴ و ۳۶۵). باآنکه این قول بیلی توسط حسن‌دوست پذیرفته شده (حسن‌دوست، ۱۳۹۳ش، ۳/ ۱۴۸۷)، اما اکثر پارسی‌پژوهان بر این باورند که روزی، از واژه «روز» گرفته شده و در اصل به معنای (نان/سهم) «روزانه» است. از این رو مؤلفه معنایی روزانه بودن در ریشه فارسی آن برجسته است (هوبشمان، ۱۸۹۵م، ۶۷).

۲۶۴۴ روزی / *rō.zī* / "وسیله زندگی، وجه معاش، رزق، خوراک، طعام" (دمخدا):... به روز به طلب روزی بود و به شب بنشیند و نواها همی‌زند (تحفة الثواب ۴/۱۲۸)... مرا آن ماهی روزی نبود و ماهی را همچنان روزی [مانده] بود (گلستان ۲۳/۱۱۸).

> فارسی‌میانه: *rōčik* از ریشه *rauk-* لذت بردن، بهره‌مند شدن (Bailey DKS 24, 365؛ نیز نک. Bailey Iranica II/461؛ نک. روزبان (ش. ۲۶۴۰)، روزه (ش. ۲۶۴۳).

نس سکاکی: *rūkija* "خوراک، طعام" (Bailey DKS 365).

زرقانی: *ru:zin* "روزی، معاش" (محمدجعفر ملک‌زاده، فرهنگ زرقان، ص ۱۶۱).

جزء دوم، در لغت فارسی: با دروزه "قوت هر روزه مردم بود که پیوسته به کار دارند" (صحاح‌القرس ۲۶۳)، "خوراک و قوت هر روزه" (برهان قاطع)، احتمالاً به همین جا مربوط است.

نیز نس ارمنی: *patručak* "حیوان ذبح‌شدنی (مانند گوسفند، بز، و جز آن)" (> ایرانی) (Hübschmann, Arm.Gr. 514).

از اصل ایرانی مأخوذ است:

ارمنی: *ročik* "روزی، معیشت، رزق" گرجی: *roč'ik'i* "روزی" آرامی: *pirwz-* "حیوان قربانی" سریانی: *[roziqā] rwyzq'* "روزی، جیره" عربی: رزق "روزی، معیشت" (که از روی آن، رَزَقَ "روزی رساندن" ساخته شده است) (Hübschmann Arm.Gr. 234, Ellers III V/1962 204, id. Ir.Lg. 625, Jeffery FVQ) (142L, Sīdīql SPF 73, Bailey DKS 24, 365, Ciancaglini ILS 255).

عکس ۲: مدخل «روزی» در فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی، اثر حسن دوست

629. Np. *rōzī* 'das tägliche Brot' ist direct = phl. *rōčik* = arm. LW. *ročik* 'der tägliche Unterhalt, Lebensmittel'.

عکس ۳: معنای واژه روزی در کتاب هوبشمان (مطالعات فارسی)

در میان متون به‌جا مانده از زبان پهلوی، کاربردی از واژه *roziq* را می‌توان در کتاب وزیدگی‌های زاداسپریم مشاهده کرد. در این کتاب، باب ۱۲ سطر ۷، در میانه گفت‌وگویی که شخصی به نام دوسرو

۱ وزیدگی‌های زاداسپریم (گزیده‌های زاداسپریم)، نامه‌ای است به زبان پهلوی که «زاداسپریم جوان جم» هیرید سیرجان در سده سوم هجری نوشته است. بین او برادرش منوچهر که او نیز از موبدان نامی زمان خود بوده، نامه‌هایی در باب سنت

با زردشت دارد، چنین آمده است: «او دورسرو به زردشت گفت که: چون تو نخستین (کسی هستی) که بهر و روزی مرا افکنده‌ای (= مرا از مزد و بهره محروم کرده‌ای) آنگاه هر دو چشم را بر تو بیرم (تو را با چشم اهریمنی بنگرم و آسیب رسانم) و بمیرانم» (وزیدگی‌های زاداسپرم، ۱۳۹۰ ش، ۶۲). در این متن ROZĪG با واژه «بهر» هم‌نشین شده است. بهر (= بهره)، به معنای مُزد است و هم‌نشینی روزی با بهر، در کنار بافت^۱ و سیاقی که روزی در آن به کار رفته، نشان می‌دهد واژه روزی دارای معنایی کاملاً عرفی و غیردینی و به همان معنای سهم روزانه یک فرد از خوراک است؛ سهمی که زردشت، دورسرو را از آن محروم کرده است:



دربارهٔ مجادلهٔ او با بدان

- ۱- این نیز پیداست که روزی «دورسرو» کرب، که یکی از همان پنج برادر «بود» به خانهٔ پوروشسپ آمد.
- ۲- پوروشسپ یک جام، شیراسب پیش «او» نهاد و گفت که: «فراز یز (=دعا بخوان)!».
- ۳- زردشت با پوروشسپ پیکار کرد (=مخالفت کرد، اعتراض کرد) که: «من یَزَم!».
- ۴- پوروشسپ گفت که: «او (=دورسرو) این را ورد و دعا خواند و تا سه بار در این باره <بایکدیگر> مجادله کردند.
- ۵- زردشت برخاست و آن پای راست <خویش> برجام کوفت و بریخت.
- ۶- و گفت که: «پرهیزگاری را ستایش کنم، مردان و زنان پرهیزگار را ستایش کنم. ای پوروشسپ بهر (=مزد) را باید بدان کس واگذاری، که بدان ارزانی است!».
- ۷- و دورسرو به زردشت گفت که: «چون تو نخستین <کسی هستی> که بهر و روزی مرا افکنده‌ای (=مرا از مزد و بهره محروم کرده‌ای)، آنگاه هر دو چشم را بر تو بیرم (=تو را با چشم اهریمنی بنگرم و آسیب رسانم) و بمیرانم.»

عکس ۴: گفتگوی زردشت با دورسرو، کتاب وزیدگی‌های زاداسپرم، ۱۲: ۷.

علاوه بر این، در کتاب شکند گمانیک و یچار^۲ این واژه مجدداً به همین معنای عرفی «غذای روزانه»

های دینی زردشتی رد و بدل شده و این کتاب، دربردارنده نامه‌های زاداسپرم است.

Context

۲ شکند گمانیک و یچار (گزارش گمان‌شکن) کتابی به زبان پهلوی است که برای اثبات بنیادهای دین زرتشت و در رد دین‌های یهودی، مسیحیت، آیین مانوی و تا اندازه‌ای (با اندکی پیش‌مندی) درباره اسلام نوشته شده است. نویسنده این

آمده است (شکند گمانیک ویچار، ۱۸۸۷م، ۲۶۶).

در ادامه، این واژه فارسی به زبان سریانی راه یافته است. واژه **ܪܘܙܝܩܐ** (روزِیقا) در سریانی به معنای «جیره»^۲ و «آذوقه و تدارکات لشکر»^۳ (پین اسمیت، ۱۹۵۷م، ۵۳۲؛ برون، ۱۸۹۵م، ۶۳۹) و افزون‌براین به معنای «مقرری و مستمری روزانه»^۴ بوده است (سوکولوف، ۲۰۰۹م، ۱۴۴۵). به‌نظر می‌رسد روزیقا در سریانی، واژه‌ای است که دچار تخصیص معنایی^۵ شده و در اصطلاحی نظامی، به معنای جیره سربازان و آذوقه لشکر به‌کار رفته است. این در حالی است که در فارسی پهلوی، شاهدی برای این معنای خاص یافت نشده است، بلکه معنای روزی، مطلق آذوقه و خوراک (روزانه) است.

ܪܘܙܝܩܐ and ܪܘܙܝܩܐ m. rice.

ܪܘܙܝܩܐ Pers. m. an executioner.

ܪܘܙܝܩܐ Arab. m. rations, military stores.

ܪܘܙܝܩܐ rt. ܪܘܙܝܩܐ, adv. exultantly.

ܪܘܙܝܩܐ rt. ܪܘܙܝܩܐ. exultant.

عکس ۵: واژه «روزِیقا» در فرهنگ سریانی، اثر پین اسمیت

نمونه‌ای از این معنای روزیقا را می‌توان در نسخه سریانی از کتاب اول مکابیان^۶ مشاهده کرد: «پادگان با ذخیره‌ای از نیرو و آذوقه برپا شد و در آنجا، اورشلیم را زیر دست خود نگه داشتند و به یک تهدید خطرناک تبدیل شدند»^۷ (کتاب اول مکابیان، ۱۹۷۶م، ۲۰۵-۲۰۶، رساله ۴، ۱: ۳۵).

کتاب مردان فرخ پسر اورمزد داد، در نیمه اول از سده سوم هجری دست به نگارش این کتاب زده است.

ܪܘܙܝܩܐ

ܪܘܙܝܩܐ

ܪܘܙܝܩܐ

ܪܘܙܝܩܐ

ܪܘܙܝܩܐ

۶ کتاب اول مکابیان، کتابی به زبان عبری از یک نویسنده ناشناخته است و در زمره کتب غیررسمی یهود می‌باشد. امروزه نسخه اصلی عبری از میان رفته است و مهمترین نسخه برجای مانده ترجمه یونانی آن است که در ترجمه هفتادگانی (Septuagint) یافت می‌شود. این کتاب دارای ترجمه‌ای به زبان سریانی نیز هست.

۷ عباراتی که منقول از کتب مقدس هستند، توسط نویسنده از ترجمه انگلیسی آنها به فارسی برگردانده شده‌اند.

روزیگ فارسی علاوه بر آنکه به زبان سریانی راه یافته، به زبان آرامی یهودی نیز وارد شده و در متون دینی یهود هم به کار رفته است. در متونی مانند تلمود بابلی، واژه רִזְיִנְקָא (روزینقا) به معنای «آذوقه روزانه» آمده است (جسترو، ۱۹۰۳م، ۲ / ۱۴۵۸). برای نمونه، در کتاب *تاعانیت*^۳، یکی از بخش‌های تلمود، چنین عبارتی آمده است: «او به فقرا نان می‌دهد و از این رو تأمین *منفعت* او برای نیازمندان فوری است» (تلمود، کتاب *تاعانیت*، b۲۳). در این عبارت، واژه روزینقا در معنایی قریب به اصل فارسی آن آمده و برای مصداق روشنی چون «نان» به کار رفته است:

רִזְיִנְקָא m. (Syr. רִזְיִנְקָא; Pers.) *provisions for the day*. Taan. 23^b Ar. (Var. in Ar. as ed. **עיבורא**). Men. 69^b **Ar.** (read: **רזינטי**; Var. in Ar. s. v. **רזינטי**; ed. **רזינטי** or **רזינטי**; v. Rabb. **D. S. a. l. note 80**) *provisions of wheat came down (from heaven) covering a space of three parasangs, v. רִזְיִנְקָא*.

عکس ۶: واژه «روزینقا» در فرهنگ ترگوم، تلمود و مدراش، اثر مارکوس جسترو.

همچنین در عبارتی دیگر در کتاب *مناحوت*^۴، یکی دیگر از بخش‌های تلمود، روزینقا در معنایی مشابه آمده است: «او می‌پرسد: «اما آیا موردی مانند این وجود دارد؟ آیا امکان باریدن گندم از ابرها وجود دارد؟» گمارا پاسخ می‌دهد: بله! مانند حادثه‌ای که برای عدی عرب رخ داد. در مورد او نقل شده است که *آذوقه‌های* گندم به ارتفاع یک کف دست بر او باریده است و در منطقه‌ای به وسعت سه فرسنگ پخش شده است (تلمود، کتاب *مناحوت*، b۶۹). در این عبارت نیز روزینقا در معنای آذوقه و خوراک و با مصداق «گندم» به کار رفته است (نیز نک: جسترو، ۱۹۰۳م، ۳ / ۱۴۵۸). در زبان مندایی هم واژه *rziqa* وجود دارد که به اذعان ماتسوخ و دراور همان رزق عربی است که در قالب وام‌واژه به زبان مندایی راه یافته است (ماتسوخ و دراور، ۱۹۶۳م، ۴۳۲):

Yozinqa

Provisions for the day

۳ *تاعانیت* (Ta'ant) بخشی از کتاب تلمود (چه بابلی و چه اورشلیمی) است که به ایام روزه‌داری و اعمال و دعاهاى مخصوص آن می‌پردازد.

۴ *مناحوت* (Menachot)، یکی از بخش‌های تلمود بابلی است که در زمره *گمارا* (تفاسیر شاخامی بر کتاب میشنا) قرار می‌گیرد.

rziqa (رِزْقًا) < P. rōzik Lagarde: Abhandlungen 81:210, Ar. loan-w. (رِزْق) AM 277:17 supply, provision, livelihood, maintenance. Varr. raziq, riziq from Ar. Gl. 79:13 f. rziqa, arzīqa misinterpreted as a verb ربح lucrari. فایده کرد.

عکس ۷: واژه «رزق» در فرهنگ مندایی، اثر ماتسوخ و دراور.

براساس شواهدی که ذکر شد، به نظر می‌رسد روزیگ فارسی تنها در زبان‌های خانواده آرامی (آرامی ترگومی و سریانی) رواج یافته و در دیگر زبان‌های سامی نظیر عبری، حبشی و ... اساساً وارد نشده است. نگاهی به کاربردهای واژه رزق در زبان‌های سریانی و آرامی نشان می‌دهد اولاً کاربردهایی که از این واژه در متون دینی این زبان‌ها وجود دارد، کاربردهای محدودی است و عباراتی که این واژه را استفاده کرده‌اند، عبارات اندکی هستند. ثانیاً این کاربردها دارای معنایی کاملاً عرفی و غیردینی است. مروری بر متون پیشاقرآنی که رزق در آن‌ها به کار رفته نشان می‌دهد این واژه به هیچ روی معنایی دینی و الهی ندارد. در این متون رزق درباره خدا به کار نرفته است؛ بلکه صرفاً معنای عرفی و روزمره خود را دارد. این واژه معنایی کاملاً مادی داشته و به معنای خوراک و آذوقه روزانه بوده و نیز در زبان سریانی، برای جیره سربازان تخصیص معنایی یافته است؛ معنایی که کاملاً در ادامه معنای فارسی آن است. در این زبان‌ها رزق مصادیقی فراتر از گندم و نان نیافته و حیث گستره معنایی، طیفی فراتر از خوراک را دربر نمی‌گیرد.

آن‌طور که پیشتر گفته آمد، واژه روچیک در زبان پهلوی هم تنها دارای معنایی عرفی و ناظر به خوراک روزانه بوده است. بنابراین رزق در اصل پارسی نیز هیچ بار معنایی دینی را با خود حمل نمی‌کرده است.

واژه روزیگ فارسی، با صورت «رزق» به زبان عربی هم وارد شده است. صورت اسمی رزق، مبدأیی است که مبتنی بر آن، صورت‌های دیگر فعلی مانند رَزَقَ - يَرِزُقُ و اسمی مانند رازق، رزاق و ... ساخته شده است. از این رو، رَزَقَ یک فعل ساخته شده از اسم است (جفری، ۱۹۳۸م، ۱۴۲). خاورشناسان مدعی هستند ورود رزق به زبان عربی، از رهگذر خانواده آرامی و مشخصاً زبان سریانی بوده است (فرانکل، ۱۹۶۲م، ۲۵؛ جفری، ۱۹۳۸م، ۱۴۳). اما آنان برای این ادعای خود شواهدی

ندارند و صرفاً به شباهت رزق عربی با روزیقای سریانی تکیه کرده‌اند. مقایسه‌ای میان معنای روزیقا در آرامی و سریانی، با رزق عربی نشان می‌دهد تفاوت‌هایی در معنا و کاربرد آن‌ها وجود دارد. روزیقا در متون سریانی، دارای کاربرد گسترده نیست و از سوی دیگر، معنایی دینی و الهی نیز نیافته و تنها در معنای عرفی خود به کار رفته است. در مقابل، رزق در زبان عربی و به‌ویژه در قرآن کریم، کاربرد گسترده‌ای دارد و از این رهگذر، به یکی از مفاهیم کلیدی در الهیات اسلامی تبدیل شده است. همچنین رزق در قرآن کریم، معنایی دینی یافته و به‌صراحت به خدا نسبت داده شده است: «... کُلُوا وَ اشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَ لَا تَعْتُوا فِی الْأَرْضِ مُفْسِدِینَ» (البقره/۶۰) و «رازق» و «رزاق» به عنوان یکی از صفات خدا مطرح گشته است (المؤمنون/ ۷۲؛ الذاریات/ ۵۸). این تفاوت در معنا و کاربرد، می‌تواند شاهدی بر آن باشد که رزق در عربی، به‌واسطه سریانی وارد این زبان نشده، بلکه عربی خود بدون واسطه اقدام به وام‌گیری از زبان فارسی کرده و سپس به توسعه این مفهوم همت گمارده است. بنابراین احتمال وام‌گیری مستقیم بسیار قوی است و نظر خاورشناسان در مورد وام‌گیری باواسطه نظر قابل قبولی نمی‌نماید.

بنابر آنچه گفته آمد، می‌توان دو نکته را درباره پیشینه مفهوم رزق در زبان‌های ایرانی و سامی و نیز در متون پیشاقرآنی بازجست؛ نخست آنکه رزق در ادبیات پیش از قرآن، معنایی دینی نداشته است و صرفاً در معنایی عرفی و روزمره کاربرد یافته است. این بدان معناست که نسبتی میان رزق با خدا در این متون برقرار نشده و سخنی از رزق الله در میان نیست. دوم آنکه این مفهوم دارای معنایی محدود و معین است. رزق صرفاً ناظر به بهره مادی و به‌طور مشخص، ناظر به خوراک و مصادیق آن بوده و لذا فراتر از این، توسعه‌ای در معنای آن مشاهده نمی‌شود.

در یک جمع‌بندی می‌توان مؤلفه‌های معنایی رزق را که در زبان فارسی و زبان‌های آرامی-سریانی پدید آمده و در متون پیشااسلامی بازنمایی شده است، به شکل زیر فهرست کرد:

۱- مؤلفه «خوراک» (مثل نان و گندم). اصلی‌ترین مصداق رزق در متون پیشاقرآنی، خوراک است و مشخصاً درباره نان و گندم به کار رفته است.

۲- مؤلفه «بهره و سهم» (ration). رزق، بهره مشخصی است که به یک فرد داده می‌شود.

۳- مؤلفه «روزانه بودن». رزق به صورت روزانه توزیع می‌شده است.

۴- مؤلفه «عطاء». رزق، عطایی است که کسی به دیگری می‌دهد؛ نه آن‌چیزی که فرد خودش

به‌دست آورد.

در بخش بعدی و با ورود به آیات قرآن کریم، نشان می‌دهیم که رزق در آیات قرآن، برخلاف برخی نظرات که در کتاب‌های لغت و تفسیر بازتاب یافته و برای رزق معنایی موسع در نظر گرفته

است، ناظر به معنای مادی آن است.

۳- نقد انگاره غیرمادی بودن رزق در قرآن

توجه قرآن بر بعد مادی واژه رزق در بسیاری از آیات بلامنازع است و اختلافی در میان لغت شناسان و مفسران در زمینه انتساب معنای مادی بر آن وجود ندارد (نک: همین مقاله، رزق در معنای مادی). اما ذیل تعدادی از آیات، برای رزق معنایی غیرمادی بیان شده است. برخی از این آیات و نظرات اهل لغت و مفسران درباره آن، در بخش پیشین از نظر گذشت. اکنون براساس ریشه‌شناسی واژه رزق، می‌خواهیم از این فرضیه دفاع کنیم که در عصر نزول قرآن، رزق ناظر به معنای مادی و عمدتاً خوراک بوده و به بیان دیگر، مراد از رزق در عصر نزول، بهره‌های مادی بوده است که یکی از مصادیق مهم آن خوراک است. از این رو، در ادامه به بررسی اهم آیاتی که رزق در آن‌ها به معنای غیرمادی در نظر گرفته شده است خواهیم پرداخت.

آیه: «أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ» (الانفال: ۴) یکی از آیاتی است مفسران برای رزق بر ابعاد غیرمادی آن توجه کرده‌اند. برخی از مفسران در حالی معنای رزق را توسعه داده‌اند (نک: به سطور پیشین) که از سیاق این آیه به همراه آیه ۳ سوره انفال: «الَّذِينَ يُتِمُّونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» چنین برمی‌آید که خدا در صدد بیان امور مادی است. توضیح اینکه در آیه سوم از اقامه نماز و انفاق سخن رفته و بر همین اساس، واژه رزق هم می‌تواند ناظر به امور مادی تلقی شود. برداشت مادی از رزق در این آیه، در تعداد زیادی از تفاسیر هم بازتاب یافته است. در این آیه، مفسران از این سخن به میان آورده‌اند که مراد از رزق کریم، نعمت‌های مادی بهشتی است (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۲/ ۱۹۶؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ۵/ ۱۵۸؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ۹/ ۲۱؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۹/ ۱۲). براین اساس اگر رزق در این آیه ناظر به امور دنیوی نباشد، باز هم در معنای نعمت‌های بهشتی معنا می‌شود و نمی‌تواند معنایی باطنی یا غیرمادی نظیر نور داشته باشد.

یکی دیگر از آیاتی که برخی از مفسران بر آن شده‌اند تا در آن، رزق را به معنایی غیر از بهره‌های مادی در نظر بگیرند، آیه: «قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنتُمْ عَلَىٰ بَيْتِهِ مِن رَّبِّي وَرَزَقَنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا...» (هود: ۸۸) است. برخی از مفسران مراد از رزق حَسَن را نبوت و حکمت دانسته‌اند (نک: سطور پیشین). اما یکی از مهم‌ترین قرائنی که نشان می‌دهد معنای رزق ناظر به اموری نظیر نبوت و حکمت نیست، سیاق این بخش از آیات سوره هود است که در آن‌ها داستان قوم شعبی بازتاب یافته است. توضیح اینکه، در آیات: «وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَلَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أُرَاكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ * يَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» (هود: ۸۵-۸۴)

از برخی مسائل مادی نظیر پرهیز از کم‌فروشی سخن به میان آمده است. این آیات نشان می‌دهند که یکی از مهم‌ترین مشکلات قوم شعیب، کم‌فروشی بوده و همین امر سبب‌شده تا هنگامی که شعیب می‌خواهد با قومش احتجاج کند، از این مطلب سخن به میان آورد که خدا به او رزقی حسن داده و چنین نیست که تحذیر او از کم‌فروشی و تشویق به کشیدن پیمان به صورت کامل به این دلیل باشد که خود از جهت مال دنیا مشکلی داشته است. بر همین اساس در آیه محل بحث شعیب تأکید می‌کند که رزق او که عبارت از اموالش باشد، از جانب خدا تأمین شده و همداری که به قومش می‌دهد به دلیل رسالتی است که بر عهده دارد.

در تأیید این برداشت، برخی از مفسران رزق را ناظر به امور مادی و اموال شعیب دانسته‌اند و آورده‌اند که شعیب از جمله پیامبرانی بوده که اموال زیادی داشته و مراد از رزق حسن در این آیه، اموال حلالی است که خدا به شعیب داده است (طبری، ۱۴۱۲ق، ۱۲/۶۳؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۱۸/۳۸۸). براین‌اساس، نزدیک‌ترین معنایی که از سیاق آیات به دست می‌آید این است که رزق نه به معنای نبوت و حکمت که به معنای اموال شعیب و در معنایی مادی باشد.

از جمله دیگر آیات مورد اختلاف، آیه: «وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَ رِزْقٌ رَبِّكَ خَيْرٌ وَ أَبْقَىٰ» (طه: ۱۳۱) است. خدا در این آیه به پیامبر اکرم (ص) دل‌داری می‌دهد که بهره‌مندی‌های دنیوی که در اختیار مشرکان قرار گرفته موجب نشود تا چشم پیامبر اکرم (ص) به این بهره‌ها معطوف شود؛ چراکه این‌ها متاعی برای آزمایش است و در انتهای آیه از این سخن رفته که رزق خدا بهتر و پایدارتر است. سیاق همین آیه به‌وضوح نشان می‌دهد که سخن درباره نعمت‌های مادی است که در این دنیا در اختیار برخی قرار گرفته است. از این‌رو، می‌توان چنین احتمالی را تقویت کرد که خداوند می‌خواهد به رسولش بگوید رزق مادی‌ای که در همین دنیا برای ایشان در نظر گرفته بهتر و پایدارتر است. چه، در بخش نخست آیه از نعمت‌های دنیوی سخن رفته و در بخش دوم کم‌وکیف رزق خدا بازتاب یافته است و در نتیجه، رزق خدا نیز بایستی در وهله نخست ناظر به کارکرد مادی رزق در همین دنیا باشد.

یکی دیگر از آیاتی که به‌باور برخی از مفسران، رزق در آن به معنای غیرمادی بازتاب یافته، آیه: «فَالَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ رِزْقٌ كَرِيمٌ» (الحج: ۵۰) است. ذیل این آیه در برخی از تفاسیر آمده است: مراد از رزق، شرح صدر و رضایت از خدا در دنیا است و بالاترین نوع رزق هم در آخرت حاصل می‌شود (طبری، ۱۴۱۲ق، ۱۷/۱۳۰؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ۱۷/۲۱۳). افزون‌براین، رزق به معنای ثواب دانسته شده است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۲۳/۲۳۵). اما می‌توان اثبات کرد که معنای رزق در این آیه، آنگونه که در عصر نزول فهمیده می‌شد، معنایی مادی است. باید گفت بافت

این بخش از آیات سوره حج درباره امور مربوط به دنیا است. در آیات پیشین از این سخن رفته که مشرکان از پیامبر (ص) درخواست می‌کنند که خدا در عذابشان شتاب کند و سپس خدا ستمکارانی را مثال زده که ابتدا مهلت یافتند و در نهایت هلاک شدند. در آیات بعدی هم شأن تندیازی پیامبر (ص) بازتاب یافته و از این سخن می‌رود که برای مؤمنان و کسانی که اعمال نیکو انجام می‌دهند، مغفرت و رزقی کریم آماده شده است. در چنین سیاقی که سراسر درباره امور ناظر به دنیا است، اقتضا می‌کند که مغفرت و رزق هم ناظر به همین امور باشد؛ چراکه خدا از سرنوشت دنیوی گروه‌هایی از مردم سخن به میان آورده و در ادامه، چنین اقتضایی وجود دارد که وعده مغفرت و رزق کریم هم در وهله نخست ناظر به همین دنیا باشد. به بیان دیگر همچنان‌که نابودی ستمکاران در دنیا بازتاب یافته، چنین بافتی اقتضا می‌کند که نعمت‌های مؤمنان که در برابر ستمکاران قرار دارند هم ناظر به همین دنیا و قابل مشاهده باشد تا مردم هم نتیجه ستم‌گری که هلاکت است را ببینند و هم نتیجه ایمان و عمل صالح که رزق کریم است را درک کنند.

آیه دیگری که در آن از رزق سخن رفته و برخی مفسران، برای آن توسعه معنایی قائل شده‌اند، آیه: «... وَ مَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَ يَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا» (الطلاق: ۱۱) است. برای نمونه در معنای رزق در این آیه آمده است: مراد از رزق خوردنی‌ها و آشامیدنی‌های بهشت و سایر نعمت‌هایی است که خدا برای اولیای خود آماده کرده است (طبری، ۱۴۱۲ق، ۲۸/۹۸). افزون‌براین، گفته شده رزق هر آن چیزی که به انسان نفع می‌رساند (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ۲۸/۳۰۳). در یکی دیگر از تفاسیر، رزق حسن، رزقی دانسته شده که در آن محدودیتی نیست و همه نعمت‌هایی است که اهل بهشت درخواست می‌کنند و از آن جمله، آمرزیده شدن گناهان و مورد رحم واقع شدن بهشتیان است (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ۲۲/۳۰۱). هریک از این معانی بازتاب‌دهنده توسعه‌ای است که مفسران در معنای رزق قائل شده‌اند. اما مهم‌ترین قرینه برای محدود کردن معنای رزق، بافت آیه است. توضیح اینکه، خدا در این آیه از بهشت سخن به میان آورده و سپس بهشت به مثابه مکانی بازتاب یافته که از زیر درختانش نه‌ها جریان دارد و خدا چنین نتیجه‌گیری می‌کند که بهشت با این مختصات، روزی نیکو برای مؤمنان است. از این‌رو، حدود معنایی رزق در خود آیه مشخص شده و می‌توان چنین احتمالی را تقویت کرد که رزق در آیه ناظر به نعمت‌های مادی نظیر باغ‌هایی است که زیر درختانش نه‌ها جاری است. براین اساس، نمی‌توان برای رزق در این آیه چنان توسعه‌ای قائل شد که شامل مواردی نظیر آمرزش گناهان یا هر آنچه‌ای باشد که به انسان نفع می‌رساند.

براین اساس باید گفت رزق در آیاتی که توسط برخی از مفسران به معنای غیرمادی دانسته شده،

ناظر به معنای مادی است. رزق در این آیات دربردارنده مؤلفه معنایی «بهره و سهم مادی» است که مصداق بارز آن هم خوراک است.

۴. معناشناسی تاریخی رزق

واژه رزق در زبان عربی، از جمله واژگان معرب محسوب می‌شود که دارای ریشه پارسی است. منشأ این واژه در زبان فارسی میانه، *roziġ* است که به معنای «نان روزانه» بوده است. براساس شواهد ریشه‌شناختی رزق در عربی، به واسطه سریانی وارد این زبان نشده، بلکه عربی بدون واسطه اقدام به وام‌گیری از زبان فارسی کرده است. رزق در ادبیات پیش از قرآن، معنایی محدود و معین داشته و آن عبارت از بهره مادی و به طور مشخص خوراک و مصداق آن بوده است و نمی‌توان توسعه بیشتری را برای این واژه در متون پیشاقرآنی بازجست. رزق در متون پیشااسلامی، تنها ناظر به امور مادی بوده و مهمترین مصداق آن، «خوراک» (مثلاً نان و گندم) بوده است.

براین‌اساس، برخلاف نظرات برخی لغویون و مفسران در دوران اسلامی که برای رزق معنایی مختلفی را مطرح کرده‌اند و در معنای رزق توسعه و عمومیت ایجاد کرده‌اند، این واژه در دوران پیشاقرآنی معنایی مشخص داشته و همین امر نشان‌دهنده آن است که رزق در عصر نزول قرآن هم باید معنایی محدود و معین داشته باشد.

رزق در بسیاری از آیات قرآن در معنای مادی و به‌طور مشخص درباره خوراک و معیشت روزانه به کار رفته است. با این حال درباره برخی از آیات میان مفسران اختلاف نظر به وجود آمده است؛ به‌نحوی که در برخی از تفاسیر، معنای رزق توسعه داده شده و در معنای غیرمادی یا اعم از معنای مادی و غیرمادی تلقی شده است. براساس شواهد ریشه‌شناختی که از نظر گذشت، این آیات محل تأمل و بازاندیشی قرار گرفت و مشخص شد که براساس برخی قرائن نظیر سیاق، رزق در آن‌ها به معنای بهره و سهم مادی است و مفسران بدون توجه به معنای این واژه در عصر نزول قرآن، در معنای رزق توسعه ایجاد کرده‌اند. بنابراین، رزق در ادبیات پیشاقرآنی معنای معینی دارد که ناظر به بهره‌های مادی است و برهمین‌اساس مراد از رزق در آیات قرآن کریم هم ناظر به امور مادی است و توسعه‌هایی که در سده‌های بعدی اسلامی در معنای رزق به وجود آمده، با معنای معین و اصیل رزق در عصر نزول انطباق ندارد و نباید در بر قرآن کریم حمل شود.

نتیجه

بر پایه آنچه گذشت، برای رزق در منابع لغوی و تفسیری معانی مختلفی بازتاب یافته و درباره گستره معنایی این واژه میان لغویون و مفسران اختلاف نظر وجود دارد. نخستین معنایی که برای رزق در نظر گرفته شده، رزق در معنای مادی است که خوراک و گاه غیرخوراک را شامل شده است. از

این معنای رزق در لغت‌نامه‌های متقدم سخن رفته و مفسران هم ذیل بسیاری از آیات قرآن که در آنها رزق بازتاب یافته، چنین معنایی را برای رزق در نظر گرفته‌اند. این معنا، در راستای همان معنایی است که واژه در اصل پارسی خود داشته است. همچنین معنای جیره سربازان که در سده‌های نخستین هجری به‌وجود آمده، در ادامه معنایی است که در سریانی نیز وجود داشت.

دومین معنایی که برای رزق در نظر گرفته شده، معنای غیرمادی آن است که به‌نوعی توسعه معنایی در رزق محسوب می‌شود. مفسران ذیل برخی از آیات قرآن دامنه این عمومیت را گسترش بیشتری داده‌اند و همین امر سبب شده تا رزق را در معنایی اعم از مادی و غیرمادی در نظر بگیرند. این تشتت آراء در منابع لغوی و تفسیری مانع از آن است که بتوان به معنای رزق در عصر نزول قرآن پی برد. از این رو به مباحث مربوط به ریشه‌شناسی این واژه پرداخته شد.

بر اساس ریشه‌شناسی، مشخص شد این کلمه ریشه در واژه فارسی *roziqa* دارد که همان «روزی» در فارسی نوین است. این واژه در زبان مبدأ، اشاره به خوراک و جیره روزانه داشته است و لذا معنایی مادی را با خود حمل می‌کرده است. این معنا در قرآن کریم نیز بازتاب یافته. با این وجود، برخی مفسران برای رزق معنای غیرمادی (نظیر همسر، فرزند، علم، نبوت، ...) در نظر گرفته‌اند. این توسعه معنایی در معنای رزق، امری است که توسط برخی مفسران صورت گرفته و مربوط به دوره پس از نزول قرآن کریم است. لذا نباید این معانی و مصادیق غیرمادی برای رزق را حمل بر کاربردهای قرآن کریم نمود.

منابع

علاوه بر قرآن کریم؛

۱. آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ق)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت، دار الکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون.
۲. ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۶۷ش)، *النهایه فی غریب الحدیث و الأثر*، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۳. ابن سیده، علی بن اسماعیل (۱۴۲۱ق)، *المحکم و المحيط الأعظم*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۴. ابن عاشور، محمدطاهر (۱۴۲۰ق)، *التحریر و التنویر*، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر.
۶. ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ق)، *تهذیب اللغة*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۷. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ش)، *الصحاح*، بیروت، دار العلم للملایین.

۸. حسن دوست، محمد (۱۳۹۳ش)، *فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی*، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
۹. خالقی مطلق، جلال (۱۳۹۴ش)، *فرهنگ ریشه‌شناسی فارسی*، تألیف پاول هورن و هاینیش هویسمان، ترجمه و شواهد از جلال خالقی مطلق، تهران، نشر مهرافروز.
۱۰. دهقانی، روشن و دیگران (۱۳۹۵ش)، «آثار تربیتی رزق حلال با تأکید بر آیات و روایات»، *پژوهشنامه معارف قرآنی*، سال هفتم، صص ۸۳-۱۰۳.
۱۱. دهقانی، روشن و دیگران (۱۳۹۶ش)، «بررسی معناشناختی کاربرد «رزق» در قرآن کریم»، *دوفصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن*، سال ششم، صص ۱۲۰-۱۰۳.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت، دار القلم.
۱۳. زمخشری، محمود بن عمر (۴۰۷ق)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، لبنان، دار الکتب العربی.
۱۴. صاحب، اسماعیل بن عباد (۴۱۴ق)، *المحیط فی اللغة*، بیروت، عالم الکتب.
۱۵. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه‌ی الأعلمی للمطبوعات.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
۱۷. طبری، محمد بن جریر (۴۱۲ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفه.
۱۸. طریحی، فخر الدین بن محمد (۱۳۷۵ش)، *مجمع البحرین*، تهران، مرتضوی.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۲۰. عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰ق)، *الفروق فی اللغة*، بیروت، دار الافاق الجدیده.
۲۱. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، *التفسیر الکبیر*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۲۲. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، *کتاب العین*، قم، نشر هجرت.
۲۳. فضل الله، محمد حسین (۱۴۱۹ق)، *من وحی القرآن*، بیروت، دارالملاک.
۲۴. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳ش)، *تفسیر القمی*، تحقیق طیب موسوی جزایری، قم، دارالکتاب.
۲۵. مسعودی‌پور، سعید و دیگران (۱۳۹۲ش)، «تبیین جایگاه سنت رزق و اعتقاد به آن در کسب و کار از دیدگاه قرآن کریم»، *دوفصلنامه علمی - پژوهشی مدیریت اسلامی*، سال بیست‌ویکم، صص ۲۸۷-۲۵۵.
۲۶. مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، بیروت، دار الکتب العلمیه،

مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.

۲۷. مقاتل بن سلیمان (۴۲۳ق)، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۲۸. *وزیدگی های زاد اسپرم* (۱۳۹۰ش)، به کوشش محمد تقی راشد، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۲۹. هادوی نیا، علی اصغر (۱۳۹۰ش)، «جایگاه اقتصادی سنت رزق»، *مکاتبه و اندیشه*، شماره ۳۸، صص ۳۱-۱۳.

۳۰. هواری، هود بن محکم (۴۲۶ق)، *تفسیر کتاب الله العزیز*، بی جا، دار البصائر.

31. Bailey, H.W. (1979). *Dictionary of Khotan Saka*, Cambridge University Press.
32. Brun, S. J. (1895). *Dictionarium Syriaco-Latinum*. Beryti Phoeniciorum.
33. Fraenkel, Siegmund. (1962). *Die Aramischen Fremdwörter im Arabischen*, Hildesheim, Georg Olms Verlagsbuchhandlung.
34. Hübschmann, H. (1895). *Persische Studien*, Strassburg.
35. I Maccabees, Trans. (1976). *by Jonathan A. Goldstein*, New York, Doubleday & Company Inc.
36. Jastrow, Marcus. (1903). *A Dictionary of the Targumim*. (2 Volume), London/New York.
37. Jeffery, Arthur. (1938). *The Foreign Vocabulary of the Qur'an*, Baroda, Oriental Institute.
38. MacKenzie, D. N. (1986). *A Concise Pahlavi Dictionary*, London, Oxford University Press.
39. Macuch, R. & Drower, E.S. (1963). *A Mandaic Dictionary*, London: Oxford University Press.
40. Payne Smith, R. (1957). *A Compendious Syriac Dictionary*. Oxford: Clarendon Press.
41. Shikand-Gumanik Vijar, ed. (1887). *by Jamaspji Jamasp-Asana*, Bombay.
42. Siddiqi, A. (1919). *Studien über die Persischen Fremdwörter im klassischen Arabisch*, Gottingen, Vandenhoeck & Ruprecht.
43. Sokoloff, Michael. (2009). *A Syriac Lexicon*. (A Translation from the Latin, Correction, Expansion, and Update of C. Brockelmann's *Lexicon Syriacum*), Eisenbrauns & Gorgias Press.
44. Talmud, accessed in: <https://www.sefaria.org/texts/Talmud>, Babylonian